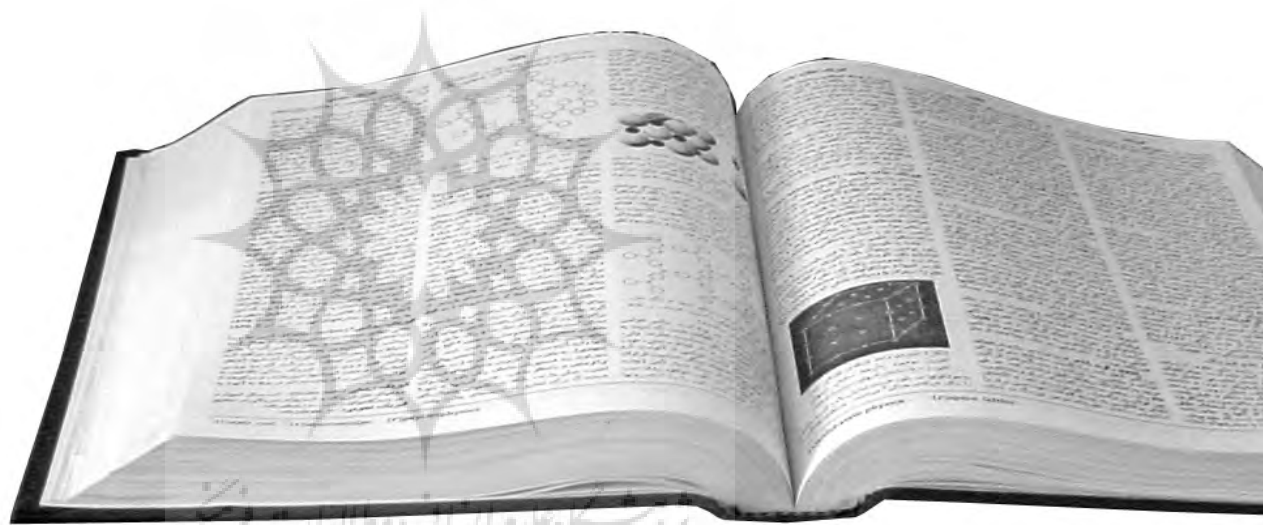


# دشواری‌های دانشنامه‌نگاری و لزوم بحث‌های پایه‌ای

• مهناز مقدسی



دیگری چون کارکنان اداری، مالی، گروه کتاب‌شناسی، حروف چین، نمونه‌خوان، صفحه‌آرا، متصدیان امور هنری، لیتوگرافی، چاپ و صحافی را نیز به این تعداد بیفزاییم مشاهده خواهیم کرد که افراد بسیاری در این کار سهیم هستند. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که دانشنامه‌نگاری مرکز اشتغال گروه بسیاری از نیروهای کشور است که طبعاً این تعداد نیرو هزینه‌های فراوانی را برای مؤسسه یا مرکز دانشنامه‌نگاری ایجاد خواهد کرد.

چنانکه می‌دانیم مهم‌ترین خریداران این گونه آثار، کتابخانه‌ها و مراکز پژوهشی و آموزشی مانند دانشگاه‌ها هستند؛ به همین سبب، این آثار با وجود هزینه‌های بسیار سنگینی که بر عهده ناشر می‌گذارد پس از عرضه به بازار یا هزینه‌های خود را هرگز بر نمی‌گرداند یا در درازمدت و به سختی هزینه‌های خود را بازمی‌گرداند. در این صورت باید گفت که تدوین این آثار بنیة مالی قوی، حوصله برای صرف زمانی طولانی و قدرت مقابله با انواع و

دانشنامه و دانشنامه‌نگاری در دهه معاصر به یکی از بخش‌های عمده صنعت نشر ایران تبدیل شده است و اقبال به دانشنامه‌نگاری در این دوره مراکز و مؤسساتی را به وجود آورده که با جدیت به این امر می‌پردازند. طبق آمار به دست آمده، بیش از ۱۲۰ دانشنامه در ایران منتشر شده یا در مرحله تدوین و انتشار است. با توجه به روند دشوار دانشنامه‌نگاری و مراحل چندگانه تدوین آن و نیز، نیاز به فراهم آوردن گروهی مؤلف و پژوهشگر و ویراستار، که از ضروریات این کار است، رقم مذکور رقم بسیار بالایی است و اگر دست‌کم برای هر یک از این تعداد دانشنامه فقط ۲۰ نفر پژوهشگر و مؤلف را در نظر بگیریم، که مسلماً رقم واقعی بیش از این تعداد است، نتیجه می‌گیریم که حدود ۲۲۰۰ نفر اهل قلم و پژوهشگر در حال حاضر مشغول به تدوین این آثار هستند. اشتغال این تعداد نیرو که اغلب آنها همزمان با چند دانشنامه همکاری می‌کنند، بخش عمده‌ای از توانایی اهل قلم را به خود مشغول داشته است؛ و اگر نیروهای

صورت گرفتن است یا خیر، و اگر صورت گرفته دانشنامه مورد نظر ما چه امتیازی بر کارهای پیشین یا کارهای در حال اجرا دارد. در واقع، در مرحله نخست باید علت وجودی تدوین دانشنامه تعیین شود تا بر این اساس چارچوب کار مشخص گردد.

دانشنامه حاوی صدها و هزارها مقاله است که براساس معیارهایی عناوین آنها استخراج شده و معمولاً با نظمی الفبایی به دنبال هم آورده می‌شود. در حقیقت، کار مهم دانشنامه آن است که علوم مورد نظر خود را به واحدهای کوچک تقسیم کند، سپس این واحدهای کوچک را براساس الفبا تنظیم کرده در یک شبکه الفبایی بگستراند و خواننده را با کلیدهایی به مقالات مورد نظر خود هدایت کند. برای روشن شدن مطلب مثالی می‌آوریم. دایرةالمعارف موسیقی علم موسیقی را که علمی کلان است براساس اهداف و گروه سنی مخاطبان، حجم و اندازه مقالات و تخصصی یا عمومی بودن دایرةالمعارف به چند شاخه تقسیم می‌کند، از جمله تاریخچه موسیقی، آلات و ابزار موسیقی، اصطلاحات موسیقی و نوازندگان. سپس هر کدام از این تقسیمات را به شاخه‌های فرعی دیگری تقسیم می‌کند، مثلاً تاریخچه موسیقی را به موسیقی سنتی و موسیقی جدید، ابزار موسیقی را به سازهای بادی، کوبه‌ای و زهی دسته‌بندی می‌کند و بعد از آن هر ساز را براساس نام الفبایی تقسیمات فوق قرار می‌دهد و بدین ترتیب مدخل‌های این دایرةالمعارف در نظام الفبایی فارسی پشت سر هم قرار می‌گیرند.

فعالیت پیش از تدوین دانشنامه‌ها را می‌توان به یک فیلمنامه تشبیه کرد که عوامل و ادوات خاصی باید فراهم شود تا نتیجه مطلوب به دست آید. چنانچه یک یا چند عامل دچار مشکل شود یا نادیده گرفته شود، نتیجه به دست آمده نتیجه مطلوبی نخواهد شد. مثلاً اگر تقسیم‌بندی موضوعات در دانشنامه دقیق نباشد، یا مدخل‌هایی از قلم می‌افتد یا با عناوینی مواجه می‌شویم که در دسته‌بندی موضوعی ما قرار نمی‌گیرد و مجبور می‌شویم برای آنها موضوعی فرعی درست کنیم یا آنها را در دسته‌ای نامربوط قرار دهیم. در حقیقت ما با تقسیمات موضوعی و انتخاب مدخل‌ها و تعیین تعداد مدخل‌های هر موضوع، دورنمای کار را ترسیم می‌کنیم و میزان مطالبی که دانشنامه به مخاطب می‌دهد ارزیابی می‌کنیم. با تعیین تعداد مدخل‌های هر موضوع، حجم موضوعات را به دست می‌آوریم و چنان نمی‌شود که در میانه کار متوجه شویم که اعلام اشخاص بیش از یک سوم از کل دانشنامه را به خود اختصاص داده



اقسام مشکلات را می‌طلبد. در حقیقت، جسارت می‌خواهد که ناشر بخش خصوصی به این امری اقدام کند و اگر حمایت بخش‌های دولتی نبود شاید امروز شاهد این رقم چشمگیر دانشنامه نبودیم. بحث اصلی ما در این مقاله مباحث نظری و پایه‌ای در دانشنامه‌نگاری است و صحبت درباره چگونگی و چرایی شکل‌گیری این نوع آثار را به مقاله‌ای دیگر وامی‌گذاریم. بنابراین آنچه گفته شد، حضور این تعداد دانشنامه و این تعداد نیرو که دست‌اندرکار تدوین این آثارند نیاز به طرح بحث‌های نظری و پایه‌ای را به میان می‌کشد، از جمله این که اساساً یک دانشنامه باید چه مرحله‌ای را طی کند و تابع چه اصول و ضوابطی باشد و در هر مرحله نیازمند چه تدابیری است.

در این مقاله به برخی از مباحث پایه‌ای در دانشنامه‌ها پرداخته و نمونه‌هایی از عملکرد دانشنامه‌ها در هر موضوع را ذکر کرده‌ایم. بدیهی است گستردگی مطلب و وجود نمونه‌های بسیار در هر موضوع، مقاله را به سمت مقاله‌ای مفصل سوق می‌داد که برای جلوگیری از این تفصیل، از ذکر نمونه‌های جمع‌آوری شده بسیار صرف نظر کردیم تا مطالب در میان مثال‌ها گم نشود.

نخستین کار پیش از اقدام به تدوین دانشنامه تعیین هدف و مخاطب است و این مطلب که دانشنامه مورد نظر ما کدام خلأ فرهنگی را در جامعه پر خواهد کرد و پاسخ‌گوی نیاز کدام دسته از مخاطبان است و آیا در این حوزه کار مشابهی صورت گرفته یا در حال

و بقیه موضوعات دو سوم دیگر را چنانکه در دایره المعارف بزرگ اسلامی شاهدیم؛ یا آنکه در میانه کار با انبوهی از عناوین مواجه نمی شویم که به سبب کمال گرایی، آنها را به فهرست مدخل های پیشین بیفزاییم و با این کار اتمام دانشنامه را سال ها به تعویق بیندازیم، همان طور که در فرهنگنامه کودکان و نوجوانان مشاهده می کنیم. در آنجا با مدخل های بسیاری روبه روهستیم که لزوماً برای گروه سنی کودک و نوجوان محل مراجعه نیستند، مانند «ایزشتاین، سرگئی میخائیلویچ» (کارگردان، نظریه پرداز و منتقد سینما و نقاش روسی) و «امرسن، رالف والدو» (نویسنده و شاعر و فیلسوف امریکایی) که هیچ یک از این دو، کاری در حوزه کودک و نوجوان انجام نداده اند و علت درج آنها در این فرهنگنامه معلوم نیست. به راستی اگر این مدخل ها در این فرهنگنامه نبود این اثر مورد انتقاد واقع می شد؟

به اصل مطلب بازگردیم، با تعیین موضوع یا دسته موضوعات دانشنامه و تعیین مدخل های هر موضوع و مشخص کردن اندازه مقالات، چارچوب کلی کار مشخص می شود، البته نادیده نمی گیریم که در حین کار قطعاً دخل و تصرف هایی در این برنامه تعیین شده صورت خواهد گرفت، اما اگر بنای اصلی کار دقیق و حساب شده باشد این تغییرات، جزئی است و مشکل اساسی در کار پدید نخواهد آورد.

پس از مشخص کردن چارچوب کلی کار، با سؤال های متعددی مواجه می شویم که باید برای هر یک از آنها اتخاذ رویه کنیم. سؤالاتی چون چه مقالاتی قابلیت درج در دانشنامه را دارند؟ خواننده اصولاً با چه هدفی به مقالات این دانشنامه مراجعه می کند و چه توقعی از خواندن مقاله دارد؟ چه تعداد مدخل با اهداف دانشنامه همسو و پاسخ گوی نیاز مخاطبان خواهد بود؟ آیا دانشنامه ما برای عرضه به کتابخانه های عمومی و تخصصی است که در این صورت مجلدات ده و بیست جلدی را می توان برای آن در نظر گرفت، یا برای کتابخانه های شخصی متخصصان و دانشجویان است که در این صورت باید شمار مجلدات آن بسیار کم تر و مدت زمان اتمام کار باید بسیار کوتاه تر باشد تا دانشجو بتواند طی دوران تحصیل خود از آن بهره گیرد و شخصاً آن را برای کتابخانه خود تهیه کند. سؤال های دیگر آنکه، عناوین مدخل ها را چگونه باید انتخاب کرد و چطور با روش ارجاعات خواننده را از مدخل مهجور به مدخل مشهور هدایت کرد؟ آیا «زین الدین عطار» را در حرف «ز» بیاوریم یا به شکل «عطار»، زین الدین» در حرف «ع» قرار دهیم؟ ساختار مقالات و زبان نوشته را براساس چه استانداردی تعیین کنیم و چگونه مؤلفان را موظف به تبعیت از آن کنیم. کدام رسم الخط را برگزینیم، رسم الخط پیشنهادی فرهنگستان زبان و ادب فارسی (انتشار ۱۳۷۸) را یا رسم الخط مصوب فرهنگستان (انتشار ۱۳۸۱) یا دیگر رسم الخط های پیشنهاد شده را؟ کتاب شناسی ها درون متن بیاید یا

فقط در پایان مقاله؛ نام مؤلف ذکر شود یا خیر؛ روش کتاب شناسی های مندرج در منابع انتهای مقاله چگونه باشد، نام خانوادگی مؤلف ابتدا بیاید و سپس نام یا برعکس؛ چه میزان از اختصارات در کتاب شناسی و در متن استفاده شود؛ در مورد منابع غیر فارسی چه شیوه ای برای ارجاع در نظر گرفته شود، آیا نام مؤلف و کتاب در ارجاعات بین متن فارسی نویسی شود یا به همان زبان اصلی آورده شود و بیشتر از همه این سؤال ها، مؤلفان مقالات تخصصی را چگونه بیابیم آیا از مؤلفان متخصص داخلی کمک بگیریم یا از متخصصان خارجی؟

اگر بخواهیم مراحل تدوین دانشنامه را برشماریم، قطعاً مراحل زیر را باید در نظر بگیریم. آنچه می گوئیم در مورد دانشنامه های تألیفی یا تألیفی - ترجمه ای است، نه صرفاً ترجمه ای، زیرا آثار ترجمه ای با مشکلاتی از نوع دیگر مواجه اند که در مبحثی دیگر باید به آن پرداخت.

۱. تعیین سیاست های کلی: مشخص کردن اهداف و نوع دانشنامه از قبیل تعیین میزان اطلاعات آن (تخصصی یا عمومی)، مشخص کردن گروه مخاطبان (بزرگسال یا کودک و نوجوان)، تعیین اندازه مقالات (مفصل یا متوسط یا مختصر)، الفبایی یا موضوعی بودن مطالب.

۲. بسترسازی و تعیین روش: تدوین شیوه نامه که در آن سیاست های کلی تعیین شده درج شده باشد، از قبیل تعداد مدخل های پیش بینی شده و تعداد مجلدات آن، اندازه مقالات، ساخت مقالات، گردش کار، شیوه ضبط اعلام، شیوه کتاب شناسی، ارجاعات و اختصارات و نمونه مقالات آمده باشد.

۳. تنظیم مدخل نامه که ذکر آن رفت.

۴. مرحله اجرایی یعنی سفارش مقالات به مؤلفان: این مرحله، مشکل ترین مرحله دانشنامه نگاری است، زیرا به سبب تدوین انواع دانشنامه های تخصصی در سال های اخیر و کم بودن مؤلفان متخصص در نوشتن مقالات دایره المعارفی و از سوی دیگر، اشتغال مؤلفان خوب به کارهای دیگر، یا همکاری آنان با دیگر دانشنامه ها، سبب می شود که مدت تألیف مقاله به دست آنان مدت ها طول بکشد و گاه به سال برسد. برای کم کردن این مشکل باید از مؤلفان تازه کار بهره گرفت، اما متأسفانه این گروه مؤلفان اغلب به زمانی طولانی نیاز دارند تا بتوانند با نوشتن مقالات دانشنامه ای آشنا شوند؛ زیرا اصولاً نگارش مقالات دانشنامه ای به سبب پژوهشی بودن و دقیق بودن نیازمند صرف وقت و حوصله بسیار است. بدین ترتیب، معمولاً این بخش از کار با کندی زمان مواجه است، هر چقدر مدخل ها تخصصی تر باشد مشکل بیشتر است، زیرا تعداد مؤلفان آن حوزه کم تر است.

۵. پیگیری مقالات: در این مرحله، فرد یا افرادی باید باشند که با مؤلفان در تماس باشند تا چنانچه مشکلی در کار تألیف مقالات

دانشنامه تخصصی یا عمومی - تخصصی در حال تدوین و انتشار است. با قطعیت می‌توان گفت که اگر دانشنامه‌ای بخواهد برای سرعت بخشیدن به کار یا به هر علت دیگری یک یا چند مرحله از کار را نادیده بگیرد و به قول معروف میان‌بر برود با مشکلات بسیاری مواجه خواهد شد، چنانکه شتاب در انتشار دایرةالمعارف زن ایرانی سبب شده است که با ارجاعات کور، عناوین غیردانشنامه‌ای، اطلاعات نادرست، کتاب‌شناسی‌های پرمشکل و اصولاً مقالات سطحی در این کتاب مواجه شویم.

چنانکه گفته شد، دانشنامه باید عناوین مقالاتش دقیق باشد که مخاطب بدون زحمت چندانی به مدخل مورد نظر خود دست یابد و اگر مقاله‌ای ذیل مقاله دیگری گذاشته می‌شود با نظام ارجاعی دقیق خواننده به آن مدخل هدایت شود. یعنی اگر در دانشنامه‌ای «ابوالفضل بیهقی» را ذیل «بیهقی، ابوالفضل» می‌آوریم باید در حرف «الف» بدین صورت ارجاع بدهیم: ابوالفضل بیهقی - بیهقی، ابوالفضل. متأسفانه دانشنامه‌های موجود در این زمینه وحدت روش ندارند و هر دانشنامه‌ای نظام خاص خود را دارد، لذا اگر در دانشنامه‌ای ذیل «ابوریحان بیرونی» را دیدید که به «بیرونی، ابوریحان» ارجاع داده است خیلی امیدوار نباشید که در دانشنامه‌ای دیگر ذیل «بیرونی، ابوریحان» مقاله را پیدا کنید، چون ممکن است آن دانشنامه ضبط «ابوریحان بیرونی» را انتخاب کرده باشد. گاه نیز نظام ارجاعات مراجعه‌کننده را بی‌جواب می‌گذارد، مانند دایرةالمعارف زن ایرانی که ارجاعات کوری دارد همچون

خلیلی، صغری ← مدرسه احتجاجیه

ام‌الملوک ← سیده خاتون

جور النساء ← مستوره غوری

حضرت شیخ ← ملک جان الهی

که وقتی به دنبال مدخل‌های فوق می‌گردید، متوجه می‌شوید که مدخل‌های مدرسه احتجاجیه، سیده خاتون، مستوره غوری و ملک جان الهی در آن وجود ندارد. جالب آنکه مدخل «فصیح» که به «جمیله» ارجاع داده شده است وقتی به مدخل «جمیله» مراجعه کنید چهار شخص با نام «جمیله» می‌یابید که ذیل هیچ کدام نام

پیش بیاید با انتقال آن به مسئولان، سریعاً مشکل برطرف شود و تا زمان دریافت مقاله از مؤلف با او همکاری کنند.

۶. مرحله ارزیابی مقالات: از مراحل حساس دانشنامه‌نگاری مرحله ارزیابی و داوری مقالات است. بارها پیش آمده که مقاله دریافتی از مؤلف، حتی مؤلفان سرشناس و متخصص، به سبب تخطی از اهداف دانشنامه و ساختار مقالات، قابل چاپ نیست؛ یا اندازه آن بیش از اندازه تعیین شده است یا مطالب مستند نیست یا ساختار مقاله اشکال دارد. اینجاست که آن دانشنامه هم زمان را از دست داده و هم مقاله دریافتی اش مقاله مطلوبی نبوده است و باید دوباره کار را از صفر آغاز کند، یا مؤلف دیگری بیابد یا آن که مقاله را به کسی واگذارد تا آن را تلخیص یا تکمیل یا تصحیح، و اصولاً قابل چاپ کند. بسیار اتفاق افتاده است که انتشار یک مجلد از دانشنامه‌ای فقط به خاطر یک مقاله چند ماه به تعویق افتاده است.

۷. مرحله آماده‌سازی: پس از ارزیابی علمی مقاله و تأیید آن، مقاله از چند جنبه بررسی و آماده‌چاپ می‌شود. این جنبه‌ها شامل ویرایش زبانی، صوری، کتاب‌شناسی، تهیه تصویر یا نقشه، کنترل ضبط اعلام، حروف چینی، نمونه خوانی و اعمال اصلاحات نهایی است.

پس از این مراحل، ادامه کار به چاپخانه واگذار می‌شود که آن هم مراتب خاص خود را دارد. با توجه به مراحل هفتگانه فوق، که در عمل همچون هفت خوان رستم است، به ندرت می‌توان زمان بندی دقیقی برای پایان کار پیش‌بینی کرد و باید گفت که تصور انتشار دانشنامه با معیارهای دقیق دانشنامه‌نگاری در زمانی کوتاه یا ناشی از ناآگاهی از عمق کار یا ناشی از ساده‌انگاری آن است. به عبارتی، انتشار دانشنامه‌ای دقیق در زمانی کوتاه (یک یا دوساله) توهمی بیش نیست. زیرا حتی اگر همه مراحل بدون مشکل و سریع طی شود مسائل دیگری نیز ممکن است انتشار کتاب را به تعویق بیندازد، از جمله تغییر نظام مدیریتی و سرپرستی دانشنامه، مجوز وزارت ارشاد، کمبود کاغذ، مشکلات چاپخانه و لیتوگرافی و صحافی.

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که با وجود این همه مسائل، و بهتر است بگوییم مصائب، چگونه است که اکنون بیش از ۱۲۰



فصیح‌ه نیامده است.

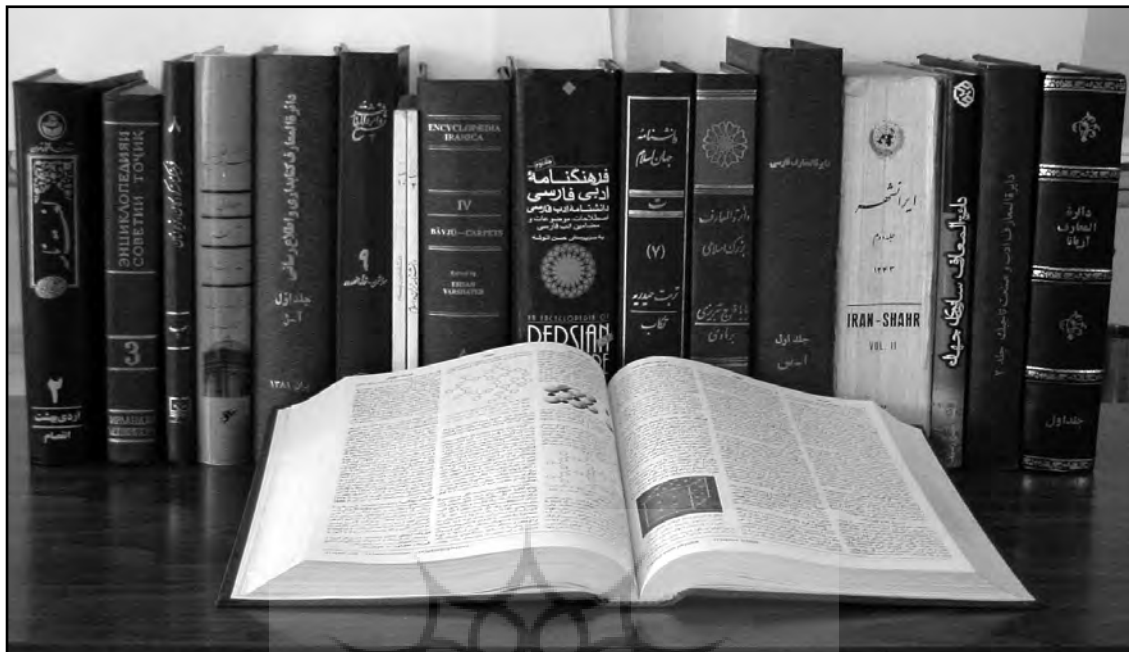
در مورد انتخاب عنوان نیز دانشنامه‌ها هر کدام ضبط خاصی را انتخاب کرده‌اند، مثلاً دانشنامه جهان اسلام، و دایرة المعارف بزرگ اسلامی مدخل «بوزجانی، ابوالوفا» را برگزیده‌اند؛ در حالی که دانشنامه ایران و اسلام، دایرة المعارف اسلام (E12) و فهرست مستند مشاهیر که راهنمای ارزشمندی برای تعیین سرعنوان هاست، عنوان «ابوالوفای بوزجانی» را برگزیده‌اند؛ گاه نیز اتفاق می‌افتد که در دانشنامه‌ای، مثلاً دانشنامه جهان اسلام در بین اسامی متعدد «تهرانی» ناگهان مدخل «تهرانی، سید جلال» ← طهرانی، سید جلال» را مشاهده می‌کنید که علت ضبط آن بدین صورت معلوم نیست؛ ضمن آنکه خواننده برای اطلاع از این مقاله تا زمان انتشار حرف «ط» چندین سال باید انتظار بکشد.

از جمله دیگر دشواری‌های مدخل‌گزینی انتخاب دقیق عناوین یا به عبارتی، یافتن عناوین دانشنامه‌ای است. یعنی در نظر گرفتن اینکه خواننده با چه کلید واژه‌هایی به دنبال مقاله مورد نظر خود می‌گردد، مثلاً آیا به دنبال مدخل «مزار دختر رشیدالدین میبیدی» در حرف «م» و ذیل «مزار» می‌رود؟ یا مدخل «زن، لوازم حسن و تجلی آن در عرفان» (که هر دو مدخل مندرج در دایرة المعارف زن ایرانی است) مدخل گویایی است که پژوهشگر برای مراجعه به چنین مطلبی ذیل حرف «ز» جست‌وجو کند؟ یا اینکه پژوهشگر برای اطلاعاتی درباره «تخته پوست» (واژه‌ای در معماری) یا «ساق» (نام بخشی از پا) به دایرة المعارف تشیع که دانشنامه‌ای تخصصی در حوزه شیعه است مراجعه می‌کند؟ اصولاً مخاطب دانشنامه تخصصی چه توقعی از آن دانشنامه دارد و آن دانشنامه نیز چگونه توقع مخاطب را برآورده می‌کند؟ پاسخ به این سؤال یکی از اساسی‌ترین مشکلات دانشنامه‌ها را حل خواهد کرد. وقتی دایرة المعارف تشیع عنوان یک دایرة المعارف است توقع خواننده این است که برای به دست آوردن هر نوع اطلاعات در حوزه تشیع به این دانشنامه مراجعه کند و بعد به نظر می‌رسد که برای یافتن مدخل «تخت نادری» یا «سرود رسمی» به این دانشنامه روی آورد، یا وجود مدخل «ترشی» در دانشنامه جهان اسلام به ذهن کمتر مخاطبی خطور می‌کند. شکی نیست که اصحاب این دانشنامه‌ها استدلال‌هایی برای انتخاب این نوع مدخل‌ها دارند، اما نگاه مخاطبان را نیز نمی‌توان نادیده گرفت.

پس از انتخاب نام مدخل، تعیین ضبط اشهر، نظام ارجاعات و انتخاب عناوین مناسب دانشنامه‌ای تازه می‌رسیم به مدخل‌های اصلی یا مدخل‌های مادر که از مدخل‌های دشوار دانشنامه‌ها هستند و نبودن آنها در دانشنامه‌ها ایراد محسوب می‌شود، مانند نبودن مدخل «علم» در دایرة المعارف فارسی مصاحب. بدین ترتیب، هر دانشنامه تعدادی مدخل اصلی دارد که نهایت سعی را می‌کند که این مدخل‌ها بی‌عیب و نقص درج شود، مثلاً مقاله «پزشکی» در

دایرة المعارف پزشکی باید مدخلی کامل و دقیق و مستند باشد. اگر نقص و اشتباهی در این مدخل وجود داشته باشد زیر تیغ منتقدان خواهد رفت. یا مقاله «تشیع» در دایرة المعارف تشیع حتماً باید جزو بهترین و دقیق‌ترین مقالات این دایرة المعارف باشد یا مقاله «اسلام» در دایرة المعارف بزرگ اسلامی جزو مقالات هسته‌ای آن دایرة المعارف است. مهم بودن این مدخل‌ها ناگزیر مفصل بودن آنها را نیز به دنبال دارد، زیرا کامل بودن این مقالات نیازمند ارائه مطالب گسترده‌ای است. اما منظور از مفصل بودن چه حجم اطلاعات است؟ آیا مقاله «تشیع» در دایرة المعارف تشیع، که اصولاً از نظر حجم اطلاعات دایرة المعارف متوسطی است، می‌تواند ۱۲۹ صفحه دوستونی باشد، یا مقاله «اسلام» در دایرة المعارف بزرگ اسلامی ۱۷۳ صفحه دوستونی باشد که وقتی تبدیل به کتاب می‌شود ۴۹۰ صفحه قطع وزیری بشود؟ حجم این مقالات با اهداف دانشنامه‌های فوق و نیاز مخاطبان نشان هماهنگی ندارد. آیا کسی که بخواهد در مورد اسلام اطلاعات جامعی کسب کند به کتابی تخصصی در این موضوع مراجعه می‌کند یا به مقاله دایرة المعارفی؟ فراموش نکنیم که باید در نظر بگیریم که مخاطب از دایرة المعارف چه توقعی دارد. مخاطب با مراجعه به دانشنامه می‌خواهد سر منشأ اطلاعات را در زمانی سریع‌تر از خواندن یک کتاب مفصل به دست آورد.

باید توجه داشت که اصولاً مقالات مفصل در دانشنامه‌ها خوانده نمی‌شود. برفرض که شخصی بخواهد آن را بخواند با مشکل دیگری مواجه است و آن اینکه چون این نوع آثار، کتاب‌های کتابخانه‌ای هستند و کمتر در کتابخانه‌های شخصی می‌توان آنها را یافت، تصور کنید که دانشجو یا پژوهشگر مجبور است ساعت‌ها یا روزها را در کتابخانه صرف کند تا بتواند آن مقاله را از سرتا ته بخواند، چون کتابخانه‌ها کتاب‌های مرجع را امانت نمی‌دهند؛ یا اینکه راه دیگری را انتخاب کند و از مقاله کپی بگیرد که آن هم به اندازه یک کتاب خواهد شد. این در صورتی است که روابط بین مدخل‌ها و حواله کردن به مدخل‌های دیگر در مقاله را نادیده بگیرد چون در بسیاری موارد اطلاعات جامع‌تر به مقالات مستقل دیگر در همان دایرة المعارف ارجاع داده می‌شوند. از این دست مقالات در دانشنامه‌های موجود بسیار است از جمله در دانشنامه جهان اسلام مقاله «تاریخ / تاریخ‌نگاری» ۷۰ صفحه، «تقویم» ۶۸ صفحه، «تصوف» ۸۴ صفحه؛ در دایرة المعارف بزرگ اسلامی مقاله «ابن عربی» ۵۷ صفحه؛ مقاله «جانورشناسی فارسی» در فرهنگنامه ادبی فارسی، که منظور جانوران در ادبیات فارسی است، ۴۴ صفحه؛ مقاله «ایران» در فرهنگنامه کودکان و نوجوانان ۵۷ صفحه است که باید به دانش‌آموزی که این مقاله را کامل بخواند جایزه داد. اگر به ساختار این مقالات بلند توجه کنیم می‌بینیم که این مقالات چندین مدخل فرعی را دربر می‌گیرند، مثلاً مقاله «اسلام» شامل ۹ زیر



مقالات بسیار دیگری نیز در این کتاب وجود دارد که از کتاب مشاهیر زنان ایرانی و پارسی نژاد عیناً رونویسی شده است و چنانکه می‌دانیم کتاب مشاهیر زنان ایرانی خود گردآوری از منابع دیگر است.

این مطلب را همه دست‌اندرکاران دانشنامه‌ها اذعان دارند که مقالات دانشنامه باید مستند به منابع دست اول باشد؛ اما واقعاً منابع دست اول چیست؟ آیا دانشنامه‌ها و دایرةالمعارف‌ها منابع دست اول‌اند؟ آیا منبع دست چندم می‌تواند مورد استفاده مقاله دانشنامه‌ای باشد؟ نوع دیگری از این بی‌دقتی‌ها در ارجاعات کتاب‌شناسی برخی دانشنامه‌ها دیده می‌شود، چنانکه در منابع مقاله «بی‌بی منجمه» در دایرةالمعارف زن ایرانی آمده است: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ذیل مدخل؛ در حالی که مدخل «بی‌بی منجمه» در این دایرةالمعارف هنوز منتشر نشده است و احتمالاً منظور مؤلف مقاله «ابن بی‌بی» بوده است.

از دیگری دقتی‌های صورت گرفته در بعضی دانشنامه‌ها آنکه گاه به مقالات مفصلی برمی‌خوریم که فقط یک منبع دارند یا اصلاً منبع ندارند، مانند مقاله‌های «امامزاده بی‌بی زبیده» و «ترنا بازی» در دایرةالمعارف تشیع که اصلاً منبع ندارند. مقالات بسیاری نیز در دایرةالمعارف زن ایرانی وجود دارد که تک‌منبعی هستند. در مقابل، در هر دو دایرةالمعارف فوق‌مقالاتی را می‌یابیم که فهرست منابعشان از خود مقاله بلندتر است.

هم‌چنین در بررسی اجمالی برخی دانشنامه‌های انتشار یافته مشاهده می‌کنیم که بعضی از آنها کتاب‌شناسی بین متن دارند و بعضی ندارند و در این مورد هم، مانند بسیاری موارد دیگر وحدت

مدخل و ۲۹ مدخل فرعی دیگر برای ۹ مدخل فوق است؛ مقاله «تشیع» در دایرةالمعارف تشیع شامل ۱۶ زیرمدخل و مقاله «تصوف» شامل ۱۴ زیرمدخل است. آیا نمی‌شد این زیرمدخل‌ها را مستقل کرد؟ یا شیوه‌ای دیگر به کار گرفته می‌شد که با این حجم مقاله مواجه نشویم؟ چنانکه دایرةالمعارف زن ایرانی این کار را در مقاله «زن» کرده است یعنی مدخل‌های مرتبط با زن را شکسته است و با عناوین مستقل آورده است، به طوری که ذیل عنوان زن ۲۰ مدخل مستقل که همگی با زن شروع می‌شوند آورده شده است، گرچه چنانکه ذکر آن رفت گاه عناوینی غیر دانشنامه‌ای برای آنها برگزیده، اما با این روش خواننده را با مقاله‌ای طولانی مواجه نساخته است.

مقالات دانشنامه‌ای باید مقالاتی تحقیقی و مستند به منابع دست اول باشد و محقق نشدن این مطلب از عیوب نابخشودنی دانشنامه است، زیرا دانشنامه مخاطب را از مراجعه به انواع کتاب‌ها بی‌نیاز می‌کند و اطلاعات اصلی آن کتاب‌ها را در ساختاری منظم جمع‌آوری کرده تا مخاطب در زمانی کوتاه به آن اطلاعات دست یابد. اگر دانشنامه‌ای اطلاعات غیر موثق و نادرست یا اطلاعات مبهم یا کتاب‌شناسی‌های ناقص به خواننده بدهد علت وجودی خود را نقض کرده است. چنانکه در دایرةالمعارف زن ایرانی مقاله «آجیل مشکل‌گشا» که جزو مقالات نسبتاً مفصل این کتاب است در بخش منابع آمده «با تلخیص از مجله سخن» این کتاب‌شناسی چقدر دقیق است؟ کدام شماره یا شماره‌های مجله؟ کدام مقاله و کدام نویسنده؟ آیا خواننده باید دوره چندین ساله مجله سخن را ورق بزند تا مقاله مورد نظر مؤلف را با حدس و گمان پیدا کند، آن هم اگر پیدا کند!



برای یافتن کتاب او، الملل و النحل، اگر نام شهرستانی را نداند، باید از ابتدا فهرست را بخواند و نام او را ذیل «محمد بن عبدالکریم شهرستانی» در ردیف «م» بیابد. توجه بفرمایید که این کار مستلزم صرف زمان بسیاری است و فاجعه موقعی است که فهرست منابع چندین صفحه باشد. مشکل بزرگ‌تر در کتاب‌شناسی‌های این دانشنامه آنکه منابع غیرفارسی در ارجاعات بین متن فارسی نویسی می‌شوند، مثلاً اگر به کتاب انگلیسی ادوارد سعید اشاره شده باشد، در متن می‌آید (سعید، ص ۴۲) و خواننده ناآشنا با این مؤلف مدت‌ها در فهرست فارسی به دنبال نام مؤلف و کتاب او می‌گردد و پس از ناامید شدن تازه باید در فهرست لاتین به دنبال او بگردد، چون در فهرست منابع غیرفارسی درج شده است.

استفاده از اختصارات کتاب‌شناسی که در اکثر دانشنامه‌ها رایج است نیز خود داستانی دارد. برخی فقط در جلد اول اختصارات را می‌آورند و برخی در همه مجلدات یا در مجلدات پراکنده مانند دایرةالمعارف بزرگ اسلامی که در جلد‌های ۱ و ۲ و ۴ و ۹ و ۱۰ فهرست اختصارات کتاب‌شناسی را درج کرده که معلوم نیست استدلال چه بوده است. ضمن آنکه از جلد دوم به بعد میزان اختصارات مندرج در فهرست اختصارات بیشتر می‌شود و اگر کسی این را نداند و به جلد اول مراجعه کند برای یافتن کتاب‌شناسی مورد نظر خود با مشکل مواجه می‌شود.

درج تصویر و عکس نیز در دانشنامه‌ها بیشتر جنبه تزئینی به خود گرفته است، چنانکه در دایرةالمعارف زن ایرانی ۳۸ تصویر

رویه وجود ندارد در حالی که همه آنها تخصصی‌اند، مثلاً دانشنامه ادب فارسی و دایرةالمعارف زن ایرانی و دایرةالمعارف تشیع که دانشنامه‌هایی تخصصی‌اند کتاب‌شناسی بین متنی ندارند (ظاهراً دایرةالمعارف تشیع تابع شیوه مؤلف است، گاه کتاب‌شناسی بین متنی دارد و گاه ندارد)؛ اما در مقابل، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی و دانشنامه جهان اسلام، که هر سه نیز تخصصی‌اند، کتاب‌شناسی بین متنی و پایان متنی دارند؛ البته شیوه آنها با هم متفاوت است.

شیوه تدوین فهرست منابع در دانشنامه‌های فوق نیز یکسان نیست. برخی نام و نام خانوادگی را به دنبال هم می‌آورند، مانند دانشنامه جهان اسلام و برخی دیگر ابتدا نام خانوادگی و سپس نام مؤلف را ذکر می‌کنند مانند دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. برخی نیز نوآوری‌هایی کرده‌اند، مانند دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی که منابع بین متن را با شماره مشخص کرده است و در فهرست منابع نیز به ترتیب شماره آنها را جدا کرده است و با این کار هم حجم نوشته کم شده، هم خواننده سریع‌تر به منبع دسترسی پیدا می‌کند.

در دانشنامه جهان اسلام در ارجاعات کتاب‌شناسی بین متن نام اشهر یا نام خانوادگی مؤلف ذکر می‌شود اما فهرست منابع براساس نام مؤلف تنظیم شده است، یعنی اگر خواننده نام مؤلف را نداند و به صرف نام اشهر یا نام خانوادگی مؤلف (که در کتاب‌شناسی بین متن آمده) به دنبال کتاب مؤلف بگردد همه حروف را از ابتدا تا انتها باید بخواند، مثلاً در متن آمده (شهرستانی، ج ۱، ص ۲۸) که

و صورتی، تصویرسازی، شیوه‌های نگارش مقالات دانشنامه‌ای، لزوم نقد و نظر در مقالات، و چگونگی ارتباط این دانشنامه‌ها با مخاطبان تدریس شود و در این دوره دو گروه مشخص آموزش داده شوند: گروهی دانشنامه‌نویس و محقق و پژوهشگر که خلأ آن بسیار محسوس است، و گروهی منتقد و صاحب‌نظر. فارغ‌التحصیلان این رشته نیز بعداً جذب این مراکز و مؤسسات شوند.

متأسفانه دانشنامه‌ها، به سبب کثرت مقالات و گروهی بودن کار، معمولاً نقد نمی‌شوند. همه‌نیز می‌دانیم که در همه آنها مقالات بسیار خوب، متوسط، ضعیف، و گاه بسیار بد وجود دارد؛ اما کمتر کسی جرأت و جسارت و بنیة علمی نقد کردن آنها را دارد یا اگر چنین کسی یافته شود فرصت مطالعه کامل این آثار را ندارد. افرادی نیز که تا به حال در این زمینه نقدهایی نوشته‌اند صرفاً یک یا چند مقاله آن را نقد کرده‌اند؛ و این آثار معمولاً، نه از لحاظ اطلاعاتی و نه از لحاظ کتاب‌شناسی زیر بوته نقد علمی نرفته‌اند و این مطلب سبب شده است که اشکالات گاه اساسی آنها عیان نشود، شاید اگر رشته‌ای دانشگاهی در این موضوع دایر شود بتوان به این امر مهم، جدی‌تر نگاه کرد و جایگاه ارزشمند این آثار را محکم‌تر و دقیق‌تر کرد.

در پایان باید افزود که وقت آن رسیده است که این بخش مهم از نشر ایران برای بهبود کیفیت کار خود و برای تعیین استانداردهای دقیق و حساب شده در مسائل نظری و عملی قدم بردارند. شاید اگر حتی یکی از مراکز دانشنامه‌نگاری در این راه قدم بردارد و فضای بحث و گفت‌وگوی دوستانه در این زمینه به وجود آید، در آینده شاهد آثار کم‌عیب‌تر شویم و ای بسا با همکاری این مراکز به یکدیگر، طول زمان تدوین آنها نیز کوتاه‌تر شود.

رنگی (پشت سر هم و مستقل از مقالات) و چند تصویر سیاه و سفید آن هم فقط در جلد اول وجود دارد که به جز تصویر چند بقعه و چند نوع پوشاک عشایری بقیه هیچ اطلاع مفیدی به خواننده نمی‌دهند و بیشتر جنبه تزئینی دارند. این در حالی است که ارزش تصویر در دانشنامه‌ها چنان است که باید در تکمیل نوشتار و گاه به جای نوشتار بیاید. انتخاب تصویر مناسب و نوشتن توضیح مناسب در زیر آن از ظرافت‌های تدوین تصویر در این آثار است که باز هم متأسفانه در دانشنامه‌های موجود مشکلاتی دیده می‌شود، از جمله در جلد پنجم دانشنامه جهان اسلام تصویر مندرج در صفحه ۴۳۷، در مدخل «پاطاق»، نقشه‌ای تاریخی آورده شده که بیشتر نقشه تاریخی آل جلابر است تا پاطاق یا ذیل مدخل «پارس، موزه» به جای تصویر خود موزه، نقشه موزه مشهود است یا تصویر مدخل «بیت الحرام» بیشتر به کارت پستال شباهت دارد تا تصویری دانشنامه‌ای که انتقال اطلاعات کند.

آنچه در این مقاله ذکر شد در اثبات این مطلب بود که دانشنامه‌نگاری کار دشواری است. رقم بالای انتشار این آثار در کنار دشواری راه، ضرورت مطرح کردن مسائل پایه‌ای، شیوه‌ها و راهکارهای حل مشکلات را نمایان‌تر می‌سازد.

مسئله اکنون دیگر می‌توان گفت که دانشنامه‌نگاری در کشور ما سابقه‌ای به دست آورده و گروه نسبتاً چشمگیری در این زمینه صاحب تجربه شده‌اند، پس وقت آن رسیده است که این فعالیت نظام‌مند شود. سؤال اینجاست که چه کسی یا کسانی باید در این راه پیش قدم شوند، بخش دولتی، که حمایت مالی بسیاری از مراکز را به عهده گرفته است، یا بخش خصوصی که با وجود مشکلات بسیار، با جدیت و همت مشغول اجرای چنین کاری است، یا کتابخانه ملی، که یکی از پشتوانه‌های علمی این مراکز است، یا یکی از مراکز عمده دانشنامه‌نگاری؟ برگزاری جلسات تبادل افکار در میان مسئولان دانشنامه‌ها و انتقال تجارب سودمند اهل فن به یکدیگر نیز مسأله‌ای می‌تواند راه‌گشا باشد؛ اما متأسفانه در میان این تعداد مراکز و مؤسسات، که بین آنها کارهای موازی نیز کم نیست، علاقه به برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات دیده نمی‌شود و هر یک منفک از دیگر دانشنامه‌ها راه خود را می‌روند.

برخلاف آنکه اساساً دانشنامه‌نگاری کاری گروهی و جمعی است، در این زمینه اصلاً روحیه جمعی حاکم نیست. شاید اگر جلسات و میزگردها و نقد و نظرهای دوستانه در این زمینه برقرار شود، بسیاری از مشکلات قابل حل باشد. به نظر می‌رسد ایجاد رشته‌ای دانشگاهی در سطح کارشناسی ارشد، در این موضوع، پیشنهاد بی‌راهی نباشد. به طوری که در این رشته، دانشجویان روش‌شناسی این کار را بیاموزند و به آنها مباحثی چون پیشینه و نحوه تدوین این آثار، اصول و روش کار، شیوه‌های مدخل‌گزینی، منبع‌یابی، ساختار مقالات، انواع ویرایش از قبیل استنادی و زبانی

